هو اللّه - ای سليل عمّ جليل، حمد خدا را که در آنخاندان…

عبدالبهآء

اصلی فارسی



# هو اللّه

ای سليل عمّ جليل، حمد خدا را که در آنخاندان نفسی در کمال ايمان و ايقان مبعوث شد و بعنايت حقّ بر خطّه نور لمعه طور پرتو انداخت و اشراق شمس حقيقت سطوع يافت قدر اين فضل موفور بدانيد و در نهايت سرور و حبور بشکرانه مليک يوم نشور زبان بگشائيد که چنين عطائی مبذول داشت و چنين شمع هدايت کبری موقود گشت. اميدم چنانست که در آن موطن جمال مبارک روحی لاحبّائه الفداء نفوسی مبعوث شوند که شمع هدی گردند و کوکب ساطع از افق اعلی. بسيار محزون بودم که جميع آفاق روشن گردد و نفحات معطّره جنّت ابهی منتشر شود و ندای ملأ اعلی نفوس را باهتزاز آرد و خطّه نور محروم ماند. حال الحمد للّه شمس حقيقت بآن ديار پرتوی از عالم اسرار زد نهايت سرور حاصل شد. اميدم چنانست که اين نور هدايت در آن موطن مبارک شعله شديد زند و قريب و بعيد ترتيل آيات توحيد نمايند. حال من در امريک ايّام ‌می‌گذرانم با وجود آنکه فرصت تحرير يک کلمه ندارم بنگارش اين نامه مفصّل پرداختم زيرا شب و روز آرام ندارم يعنی در محافل عمومی و کنائس عظمی و مجامع خصوصی شب و روز بنشر نفحات اللّه مشغولم و غلغله عظيمی افتاده.

ولوله در شهر نيست جز شکن زلف يار فتنه در آفاق نيست جز خم ابروی دوست

اکثر اوقات جمعی منتظر ملاقاتند، ولی فرصت ندارم با وجود اين چون از بشارت نور مسرور شدم بی‌اختيار بنگارش اين نامه پرداختم تا بدانيد که بچه درجه بشما محبّت و تعلّق دارم تا توانيد بکوشيد که آن کشور مبارک معطّر گردد، و آن وطن مقدّس منوّر شود. ع ع

